

خیابان و خاطره

قاهره

یک خیابان (بازار) سرپوشیده در شهر کهنه.

شرکت چاپ و نشر علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در این کتاب، به بررسی و تحلیل وضعیت موجود و آینده این شهر پرداخته شده است. در ابتدا به معرفی کلیه بخش‌های این شهر پرداخته شده و سپس به بررسی دقیق‌تر هر یک از این بخش‌ها پرداخته شده است. در ادامه، به بررسی وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این شهر پرداخته شده است. در نهایت، به بررسی راهکارهای مناسب برای بهبود وضعیت این شهر پرداخته شده است.

قلب شکننده

نوشته آئن بونامی

می‌شود، توجیه می‌کند. اما این سایه علت اصلی باریکی خیابانها نبود بلکه در غالب موارد نتیجه اقدام مردم در مورد تصاحب عرض خیابانها برای گسترش خانه یا ایجاد دکه و مغازه بوده است. در قاهره امروز هم هنوز دو نوع عمده کوچه و خیابان دیده می‌شود: روباز و سرپوشیده. نوع اول تنوع بسیار دارد و کثرت اسامی آن این تنوع را تأیید می‌کند: «زُهک» یعنی بُن بست. «عطفه» و «خوخه» یعنی کوچه بی‌دروازه‌ای که مغازه ندارد و غالباً از طریق چند پله یا یک چینه یا نرده به یک خیابان شلوغتر راه می‌یابد.

لابیرنت خیابانها

«درب» یا «هَرَه» کوچه یا خیابانی است که دارای چندین مغازه است اما عرض آن از شش تا هشت گام تجاوز نمی‌کند و به وسیله یک دروازه بسته می‌شود. «سگه» که در آغاز به معنای خیابان نخلکاری شده یا خیابانی در نخلستان یا در روستا بود، امروز به معنای خیابان بزرگ و عریض است «قصیه»، «طریق» و «شارع» نام خیابانهای است که بسیار شلوغ و بسیار وسیع هستند و به محل اجتماع مردم برای خرید و فروش و رسیدگی به امور جاری اختصاص دارند. و معنایی که قصیه در مفهوم مرکز یا پایتخت پیدا کرده از همین جا ناشی شده است

علاوه بر این «عقبه» وجود دارد یعنی خیابان سربالا، و «حَدَر» یعنی خیابان سرایشیب، و «چسِر» یعنی جاده ساخته شده بر آبهای طغیانی (پل) و «سوق» که مشاغل و مغازه‌های یک صنف خاص را در خود گرد آورده است.

مصر، سرمست از غرور گذشته «فرعونی» خود، معماری هزار ساله‌ای را که پیش از گشودن درهایش به روی اروپا از طریق لشکر کشی ناپلئون، در این سرزمین وجود داشته حفظ کرده است. اما حفظ این میراث معماری و شهری تا چند سال پیش مورد توجه و علاقه زمامداران کشور نبود.

برنامه شهرسازی که از قرن نوزدهم در مصر اجرا می‌شد بیشتر به نوگرایی روی آورده بود و سرمشق آن نخست پاریس ساخته هوسمن و پس از آن آمریکا بود.

برخلاف آنچه در برخی از کشورهای اروپا رواج دارد کاربرد بناها در طی قرون تغییری نکرده است. هیچ قصر یا مدرسه یا مسجدی به شهرداری یا سفارتخانه یا تئاتر تبدیل نشده است. البته در غالب اوقات به گونه‌ای مرمت ناپذیر و پیران و ضایع شده‌اند. ولی به هر حال مردم و مقامات اندک به آنها توجه یافته‌اند: یک اداره باستان‌شناسی مأمور مراقبت از آنها شده است.

به این ترتیب بناهای تاریخی فرصت تازه‌ای برای باز ماندن به دست آورده‌اند در حالی که ساختمانهای محقر، که در عین حال زمینه و فضای شهر را تشکیل می‌دهند، از چنین بختی برخوردار نیستند.

راستی بافت قدیمی شهر در چه وضعیتی است؟ در پژوهشی که در حدود بیست سال پیش انجام گرفت وضع بافت شهر چنین

«در قاهره خیابان زیبا وجود ندارد، اما در عوض تعداد بیشماری خیابان کوچک هست که مرتب پیچ می‌خورند، و این نکته نشان می‌دهد که چرا خانه‌ها بدون نقشه ساخته شده‌اند و هر کس هر مقدار زمینی را که برای ساختمان مناسب می‌دید، تملک می‌کرد بی‌آنکه دقت کند که آیا خانه‌اش به خیابان دسترسی خواهد داشت یا نه». آیا این سخن که در سال ۱۶۵۷ (۱۰۶۸ هـ) نوشته شده است، هنوز هم درباره قاهره صدق می‌کند؟

در قاهره آن روزگاران هیچ کس به نظم و ترتیب و ردیف‌بندی توجهی نداشت. کسی در آن سوی گذر یا کوچه یک زمین یا خانه می‌خرید، آنگاه با گسترش دادن خانه خود و گرفتن قسمتی از راه همگانی، دو طرف کوچه را به هم پیوند می‌داد. به این ترتیب بسیاری از خیابانها به کوچه‌های بُن بست تبدیل شدند. با تبدیل بخشهایی از خیابان به کوچه بن بست، صاحب یک حیاط محصور و محفوظ می‌شدند که در آن زنها به پرچانگی می‌پرداختند، بدون مزاحمت و دور از چشم رهگذران به کارهای خانه می‌رسیدند و یا به تماشای بازیهای بچه‌های خود سرگرم می‌شدند. در مدخل هر بُن بست سگها به رهگذران بیگانه چنگ و دندان نشان می‌دادند...

خیابانهای زیر سایه

مردم قاهره آداب و عادات دیگری هم که سبب تنگ شدن خیابانها می‌شود، دارند. مثل بالکنهای مشرف دار* که از هر دو طرف بیرون زده‌اند و از زیر آنها فقط یک نوار باریک از آسمان دیده می‌شود. در برابر هر مغازه و قهوه‌خانه تعدادی نیمکت و صفا و سکو به چشم می‌خورد که برای همیشه در آنجاها جای گرفته‌اند. کسبه و دستفروشان یا بساطهایشان حتی به صحن مساجد دست انداخته‌اند، دیوارها و ستونهای بناهای تاریخی را تصرف کرده و بساط آویخته‌اند، زیر حصار برج و بارو لانه کرده‌اند، در حال بلعیدن خیابانها و گذرند و رهگذر را مجبور می‌کنند که با پیچ و خم و دور زدن بسیار از میان بساطها راه بگشاید.

واکنش مقامات نسبت به این رفتارها همواره بی‌تأثیر است، مگر در موارد استثنایی. مثلاً یک روز الحاکم، خلیفه فاطمی تصمیم گرفت چهلچراغ بزرگی را که به دستور او ساخته بودند، برای نصب در مسجد عمرو به آنجا بفرستد. برای آنکه بتوانند چهلچراغ را به مسجد منتقل کنند باید موانع مختلفی را که در سر راه، خیابانها را بند آورده بودند از میان برمی‌داشتند، بعضی از خیابانها را عریض کردند و نماها و ایوانهای برخی از ساختمانها را از میان برداشتند. این قضیه در سال ۱۸۱۳ به هنگام ازدواج دختر پاشا تکرار شد. دو روز پیش از عروسی گزها به وارس خیابانهایی که قرار بود کاروان عروس از آنجاها بگذرد، برداختند و ساختمانهای مزاحم را خراب کردند. بهنای کم خیابانها را فقط سایه‌ای که از این رهگذر حاصل

* شبکه‌های چوبی که به آدمی امکان می‌دهند بی‌آنکه دیده شود، بیرون را ببیند.





ژوئیه ۱۳۹۳
 نشریه علمی و پژوهشی
 فصلنامه علمی و پژوهشی
 مطالعات فرهنگی و اجتماعی
 شماره ۱۳۹۳

خیابان المسکی که پیشه‌ورهای سنتی فراوان در اینجا دیده می‌شوند.

بقیه، که من آنها را «تاریخ نگاران مقلد» می‌نامم بر این عقیده‌اند که تمامیت چهارصد هکتار مساحتی را که شهر کهنه در آن جای دارد، باید به صورت یک منطقه حفاظت شده در آورد و آن را عیناً حفظ کرد. اینان بافت کنونی شهر را در خور ارج می‌دانند و لذا معتقدند که هر چه قابل ترمیم است باید مرمت شود و هر چه ویران شده است باید بازسازی گردد هر چند که در این بازسازی خطر جعل الگوهای معماری نیز وجود دارد. اما این راه حل دو عیب دارد. اولاً چون قاهره کهنه خیلی کم از محدوده خود تجاوز کرده است لذا با این طرح راه نفس کافی پیدا نمی‌کند. دوم این که اجرای این طرح هم خیلی طول می‌کشد و هم خیلی پرخرج است و تقریباً همه کسانی را که درآمد ناچیز و یا حتی متوسط دارند از آنجا بیرون می‌راند.

پس تکلیف چیست؟ چگونه قلب ضعیف، پر از دحام و فاقد خدمات شهر را برای رفع بسیاری از نیازهای ساکنان آن دوباره به کار اندازیم؟ به گمان من بایستی همه چیز را عمیقاً بازسازی و نوسازی کرد، هر چند که این امر اختلالانی در زندگی مردمی که در آنجا به سر می‌برند، پدید می‌آورد. البته بازرگانان، پیشه‌وران،

توصیف شده بود: ۶ درصد قابل قبول، ۱۲/۵ درصد تا حدی قابل قبول، ۳۶/۵ درصد کمتر از آن و ۴۵ درصد در وضعیت بسیار بد. از آن زمان تاکنون هیچ بهبودی در اوضاع حاصل نشده است. سه چهارم از ساختمانهای قاهره که پیش از قرن نوزدهم بنا شده‌اند عمیقاً رو به ویرانی دارند.

نوگرایان و مقلدان

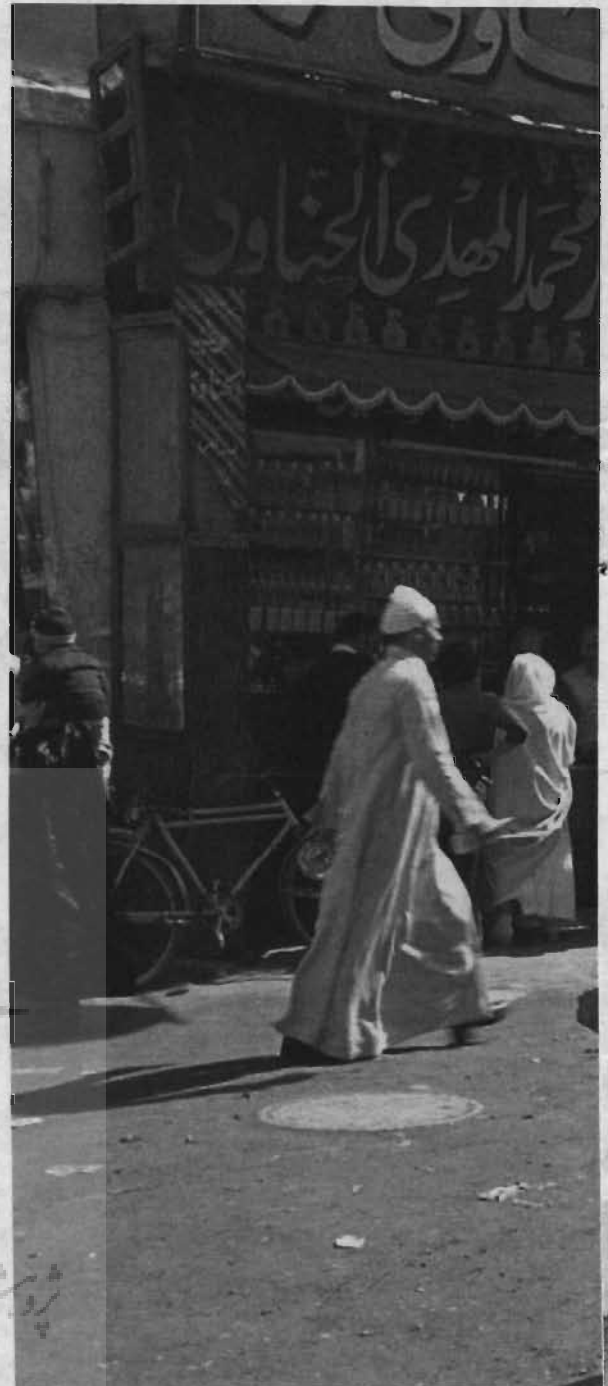
این وضع را چگونه می‌توان چاره کرد؟ برای حل مسأله دو گروه روی در روی هم قرار دارند که هر دو علاقه‌مند به نوسازی شهر کهنه و سر و سامان دادن به آن هستند. یک گروه، که در اکثریت قرار دارد، ردیف‌بندی اصولی خیابانها و ساختمانها را به خط مستقیم و استفاده از چهارراه توصیه می‌کند. در این صورت به رفت و آمد اتومبیلها اولویت داده می‌شود. هر چند که البته چند بنای تاریخی مانند مساجد و کاخها - همچون مجسمه‌هایی که در ویتزینهای موزه چیده می‌شوند - نگاه داشته خواهند شد. در این برنامه، مبتکران معماری و نوسازی از آزادی عمل برخوردار خواهند بود.



خیابان الموعز. در بالا سمت چپ
مدرسه علمیه قلارون دیده می‌شود.



یک خانه قدیمی در یکی از
خیابانهای نزدیک محله قدیمی «باب
شریعه».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
اجتماعی
مجمع علوم انسانی

اما شکل ظاهر خیابان هم از نظر بسیاری از افراد بخشی از همین آداب معاشرت است. فقدان ردیف‌بندی به‌خط مستقیم و مسیری که مرتباً شکسته می‌شود و پیچ و خم برمی‌دارد، دانستنی فضاها را انتقالی کاملاً متفاوتی میان مجاری ارتباطی دورانی در فاصله خیابان و حیاط و پلکان و ساختمان ایجاد می‌کند. هرگونه طرح شهرسازی تازه باید این شبکه فواصل میان نسوج شهری و این اشتراک و اجتماع قوای مختلف هم‌زندگی - و به عبارت دیگر زندگی تعاونی - میان فضاها را روباز و سرپوشیده را حفظ نماید.

میان نظم کامل و بی‌نظمی مفرط باید نوعی شلوغی را هم در شهر پذیرفت و حفظ کرد. اما چگونه؟ به کمک یک طرح هندسی که بر پایه پیچیدگی ساختار فضایی شهر تنظیم شده باشد. این طرح باید به بافت‌های نگاه‌داشتنی، پیوند بخورد، از غنای فضاها موجود برخوردار شود و میان نیازهای تازه و زنده‌ترین فعالیتها و مصارف اجتماعی اختلاط و امتزاج پدید آورد. شاید با چنین قیمتی قلب کهنه قاهره بار دیگر به ضربان بیفتد...

برخی از صنعتگران، مالکان و مصرف‌کنندگان بیشتر از دیگران آمادگی پذیرش این دگرگونیها را دارند. تأثیر این خارج شدن از محدوده این است که این بخش از صاحبان مشاغل را در مرکزیت شهری مستحیل می‌کند و طبعاً قیمت زمین به مقدار قابل توجهی افزایش می‌یابد.

البته تا آنجا که من می‌دانم هیچ نوسازی از این دست، در هر کجای جهان و در هر حکومتی که انجام گرفته، نتوانسته است مردم بی‌چیز را در یک چنین مرکز شهری نگه دارد، هر چند که این عمل در حقیقت تأسف بار و غیراخلاقی است.

لزوم یک فضای جمعی تازه

شهر کهنه قاهره یک برگ برنده قیمتی دارد: غنا و گستردگی فضاها و دسته جمعی که از آنها صنعتگران همچون ادامه دکه‌هایشان استفاده می‌کنند و در آنجا پیشه‌وران دوره‌گرد و دستفروشان بساطشان را می‌گسترانند و دیگران سفره می‌گسترند و زندگی می‌کنند. این نوع زندگی نتیجه روحیه اجتماعی، خوش‌مشربی، خودپذیری و مهمان‌پذیری مردم است.

آلن بونامی، معمار و فیلمساز است. فیلمهای الجزایر رنگها (۱۹۷۲)، شهر سینمای (۱۹۷۳)، علی در سرزمین کشور عجایب (۱۹۷۶) و قاهره، شهر مردگان (۱۹۸۶) را تهیه کرده است. برنامۀ این فیلم در سینمای موزۀ هنرهای مدرن مرکز ژرژ بومینو، در چهارچوب نمایشگاه بین‌المللی هنر معاصر (جادوگران زمین) تهیه شد. کتابش به نام شهر مردگان در قاهره بزودی در رم (کابالا) چاپ خواهد شد.

خیابان و خاطره

هوستن

جاده‌ای که از دل شهر می‌گذرد

نوشته بریثیت اووری - ویال

هوستن شهری ظاهر فرب است. دست کم چهار «دانستان»، یعنی چهار مرکزیت تجاری با آسمانخراشهای فوق مدرن دارد. علاوه بر آن در مساحتی بالغ بر ۶۵۰ کیلومتر مربع تا چشم کار می‌کند، انبوهی از محله‌ها - از لوکس‌ترین آنها تا فقیرترینشان - در کنار هم قرار دارند.

چه وحدتی میان آنها وجود دارد؟ در واقع هیچ جز خیابان یا در حقیقت محور، زیرا آنچه در این شهر خیابان نامیده می‌شود مفهوم معمولی خود را از دست داده است. حتی خیابانهای میلیم یا لوئیزیانا در مرکز بازرگانی شهر، دیگر «خیابان» نیستند. در حقیقت هوستن چیزی جز خیابان یا بولوار نیست.

بگو کجا زندگی می‌کنی...
[تا بگویم چکاره‌ای]

هریک از شریانها، هر چقدر هم طولانی باشند، مشخص کننده یک مجموعه است، یعنی یک منطقه شهری مشخص با شیوه زندگی و خصوصیت‌های خاص خود. مسونروز، با مسوزها و گالریهایش، محله هنری شهر است. شپرد، محله رفیق و آمدهای روزانه است: پیشه‌وران، فروشندگان تانهای گرده خرید و فروش وسایل باغبانی، رستورانهای زغالسوز، اتوبانک، سلف سرویس - که حتی برای رفتن از یکی از آنها به دیگری ناچار به پیگردن چندین کیلومتر راه هستیم. کربای و از آن بهتر رسوراوکز از محله‌های لوکس شهر هستند که در گستره ساکت آنها صدها ویلای بسیار زیبای دورانهای ویکتوریا، نئوکلاسیک، مستعمراتی و مافوق مدرن سلسله جبنانان نفت، ثروت و سیاست آرمیده است.



این پارک وی و این ستر در مرکز هوستن

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی